

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته
سال سوم، شماره ششم (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۳۹۶)



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم) / حمید ستوده (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران) / محمدجعفر طبعی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمد قاضی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه و استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی
ویراستار فنی: رضا پورصدقی
همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - سید محمد سلطانی (انگلیسی)
نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵
قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال



The Companion of Consensus (Ashab-e Ijma) and Trustworthy Narrators' Shaykhs

Mahdi Alaei

Abstract

Allame Majlesi I was one of the first jurists who studied the knowledge of Rijal analytically and reflected on many issues of this field especially the issue of general ways of approval. His viewpoints had a great effect on Wahid Behbahani (his grandson) and developed a new approach toward this knowledge. Additionally, accepting or rejecting his viewpoints has a great effect on acceptance or rejection of hadiths of the four famous books and other sources of Shia hadith. Consisting of two sections, this article studies the viewpoint of allame Majlesi I about the companion of consensus (Ashab-e Ijma) and trustworthy narrators' shaykhs. Each section starts with the definition of the subject and discussing all viewpoints and arguments. Finally, the viewpoint of allame Majlesi will be stated with its arguments and evidences.

Keywords: Allame Muhammad Taqi Majlesi, The Companion of Consensus, Trustworthy Narrators' Shaykhs, General ways of Approval.



اصحاب الاجماع ومشايخ الثقة من منظور العلامة محمد تقي المجلسي

مهدي الاعلاني

الخلاصة: المجلسي الأول هو واحد من أوائل الفقهاء الذين تناولوا علم الرجال بشكل تحليلي، وتناولوا بتفصيل قضايا مختلفة في علوم الرجال وخصوصاً التوثيق العامة. ووجهات نظر هذا الفقيه البارز أثرت كثيراً في وجهات نظر المرحوم الوحيد البهبهاني (حفيدة من جهة ابنته) ولديه منهج جديد بالنسبة الى علم الرجال (وهو اجتهادية علم الرجال) منذ زمن المجلسي الاول، وهذا ما يزيد من ضرورة هذا البحث. كما إن رفض أو قبول بعض نظرياتهم له تأثير كبير على قبول أو رفض بعض احاديث الكتب الأربعة وبقية الكتب الروائية. وهذا المقال بصدد توضيح وجهة نظر المرحوم المجلسي بشأن أصحاب الإجماع ومشايخ الثقة وقد تم تنظيمه في مبحثين، في بداية كل مبحث تعرضنا أولاً لتحديد موضوع البحث، ثم تعرضنا الى الاقوال والادلة في المسألة وفي النهاية بيان وجهة نظر العلامة المجلسي مع ذكر الادلة والشواهد.

الكلمات الرئيسية: العلامة محمد تقي المجلسي، أصحاب الاجماع، مشايخ الثقات، المجلسي الاول، التوثيق العامة.

٢٣٤

فهرس واجتهاد / سال سوم، شماره ششم وصال طهران، شماره هفتم



اصحاب اجماع و مشایخ الثقات در نظرگاه علامه محمدتقی مجلسی

مهدی اعلائی*

چکیده

مرحوم مجلسی اول رحمته الله علیه جزء نخستین فقیهانی است که به صورت تحلیلی وارد علم رجال شده و به صورت مفصل در رابطه با مسائل مختلف علم رجال به‌ویژه توثیقات عامه پرداخته است و نظرات این فقیه برجسته، تأثیر زیادی در نظرات مرحوم وحید بهبهانی (نوه دختری وی) و رویکرد جدید نسبت به علم رجال (اجتهادی شدن علم رجال) از زمان ایشان داشته است و همین امر بر ضرورت این تحقیق می‌افزاید. همچنین ردّ یا پذیرش برخی از نظریات ایشان، تأثیر بسزایی در قبول یا ردّ برخی از احادیث کتب اربعه و دیگر کتب روایی دارد. نوشتار حاضر در صدد تبیین دیدگاه مرحوم مجلسی پیرامون اصحاب اجماع و مشایخ الثقات می‌باشد که در دو بحث، تنظیم شده و در ابتدای هر بحث، اول به تعریف موضوع بحث پرداخته و سپس اقوال و ادله در مسئله بیان می‌شود. در پایان، دیدگاه علامه مجلسی رحمته الله علیه با ذکر ادله و شواهد ذکر خواهد شد.

کلیدواژگان: علامه محمدتقی مجلسی، اصحاب اجماع، مشایخ ثقات، مجلسی اول، توثیقات عام.

* استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که در علم رجال و گاهی در علم درایه از آن بحث می‌شود، مسئله اصحاب اجماع است. بحث در این مطلب و انتخاب مبنای صحیح در آن، چه بسا سبب شود هزاران حدیثی که بر پایه‌ای از انظار از حریم صحت دور شده‌اند، به صحت، متصف و قابل عمل گردند و بر اساس برخی از مبانی در این بحث ممکن است جمع زیادی از روایان، به وثاقت متصف شوند. از این رو بحث اجماع، بحث سرنوشت ساز و مهمی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

۱. ریشه اصطلاح اصحاب اجماع

ریشه این اصطلاح، در کلمات رجالی بزرگ شیعه «محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی» (متوفای حدود ۳۴۰ق) دیده می‌شود. ایشان در سه مقطع از کتاب معرفه الناقلین عن الأئمة المعصومین علیهم‌السلام از ۲۲ راوی به عنوان فقیهان اصحاب امام محمد باقر علیه‌السلام، امام جعفر صادق علیه‌السلام، امام موسی کاظم علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام یاد کرده و به ستایش آنان پرداخته است. متأسفانه این کتاب مفقود گشته و به دست متأخرین نرسیده است ولی گزیده‌ای از آن را شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق) به نام اختیار معرفه الرجال انتخاب کرده و موجود است و عبارات کشی درباره اصحاب اجماع از این کتاب نقل می‌شود. وی می‌نویسد:

شش نفر نخست: علمای امامیه بر تصدیق این گروه (که اولین گروه از اصحاب ابی جعفر و ابی‌عبدالله علیهم‌السلام هستند) اتفاق نظر دارند و به فقاهتشان اعتراف کرده و گفته‌اند: فقیه‌ترین شاگردان این دو امام، شش نفر می‌باشند: زرارة بن اعین، معروف بن خربوذ مکی، بُرید بن معاویه عجلی، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار، و محمد بن مسلم طائفی. فقیه‌ترین این شش فقیه را «زراره» گفته‌اند. برخی از علما به جای ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی را ذکر کرده‌اند که همان لیث بن بختری می‌باشد (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۳۸، رقم ۴۳۱).

شش نفر دوم: امامیه بر صحیح شمردن روایاتی که سندش تا این گروه

صحیح باشد و هم چنین تصدیق این گروه در آن چه می گویند و فقیه دانستن آنان، اجماع دارند. اینان غیر از شش فقیهی هستند که نامشان را در گذشته ذکر کردیم. این شش نفر عبارتند از: جمیل بن درّاج، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر، حمّاد بن عثمان، حمّاد بن عیسی و ابان بن عثمان.

ابواسحاق فقیه، یعنی ثعلبة بن میمون، جمیل بن درّاج را فقیه ترین آنان دانسته است. این گروه، از اصحاب جوان امام صادق علیه السلام می باشند (همان، ص ۳۷۵، رقم ۷۰۵).

شش نفر سوم: طایفه امامیه بر صحت روایتی که به سند صحیح به این گروه برسد و هم چنین نسبت به تصدیق این گروه اجماع دارند و به فقاہت و علم آنان اعتراف کرده اند. این شش فقیه، غیر از فقهایی هستند که در میان اصحاب امام صادق علیه السلام از آنان یاد کردیم. از آنان یونس بن عبدالرحمان، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی هستند. بعضی از امامیه به جای «حسن بن محبوب»، «حسن بن علی بن فضال» و «فضالة بن ایوب»، و برخی دیگر به جای «حسن بن علی بن فضال»، «عثمان بن عیسی» را ذکر کرده اند. فقیه ترین این گروه «یونس بن عبد الرحمان» و «صفوان بن یحیی» می باشند (همان، ص ۵۵۶، رقم ۱۰۵۰).

۲. دیدگاه علما در بحث اصحاب اجماع

همان گونه که بیان شد اولین کسی که این بحث را مطرح کرد، جناب محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی از دانشمندان قرن چهارم هجری، معاصر با کلینی و شاگرد محمد بن مسعود عیاشی (نویسنده تفسیر عیاشی) است.

پس از کشی، از کسانی که این اجماع را پذیرفته است، شیخ طوسی رحمته الله و علامه حلّی در کتاب خلاصه الاقوال (در ذیل شرح حال عبدالله بن بکیر، و صفوان بن یحیی، و بزنطی و ابان بن عثمان) است. حسن بن داود حلّی، مؤلف رجال ابن داود، نیز در کتاب رجالش می نگارد: «دانشمندان امامیه بر ۱۸ راوی اتفاق نظر

دارند و در تعظیم ایشان اختلاف نکرده‌اند، لیکن آنان را در سه رتبه قرار داده‌اند.» (ابن داود، ۱۳۴۲ق، ص ۳۸۴).

شهید اول محمد بن مکی در کتاب *غایة المراد*، شهید ثانی در شرح *درایه*^۱ و در کتاب *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، در کتاب طلاق، از شیخ طوسی نقل کرده که طایفه امامیه بر صحیح شمردن روایتی که تا عبدالله بن بکیر صحیح باشد اجماع دارند و او را به فقاہت و وثاقت ستوده‌اند.

در سده‌های اخیر جمعی از علما، مسئله اصحاب اجماع را پذیرفته‌اند. دانشمندانی همانند شیخ بهایی، محقق داماد، محمدتقی مجلسی، فخرالدین طریحی، محقق سبزواری (نویسنده کتاب *ذخیره العباد فی شرح الارشاد* و از دانشمندان قرن یازدهم هجری). پس از این گروه، علمای قرن دوازدهم همانند محمدباقر مجلسی و به دنبال دیگر علما تا عصر حاضر هستند که نیازی به ذکر اسامی آنان نیست؛^۲ ولی عباراتی را که از کشی نقل کردیم: «تصحیح ما یصح عنہم»، «تصدیقہم لما یقولون»، «و انقادوا لہم بالفقہ» و «اقرّوا لہم بالفقہ والعلم»، از ویژگی‌های آنان حکایت می‌کند. این کلمات، مفید این معناست که این عده، علاوه بر راوی بودن، از فقهای زبردست شیعه بوده‌اند که بر جداسازی اخبار و روایات صحیح از روایات جعلی توانایی داشتند. آنان مرجع شیعه در رفع شبهات و اشکالات بودند و از هر کذب و جعلی منزّه می‌باشند.

معنای سه جمله از چهار جمله‌ای که کشی در توصیف این عده به کار برده، روشن است، ولی در مقصود او از جمله «تصحیح ما یصح عنہم»، اختلاف شده که منشأ سه قول گشته است. علت این اختلاف نیز نزاع در مراد و مقصود از «ما» موصول در عبارت «ما یصح عنہم» است که آیا از این موصول، معنای مصدری اراده شده است؛ یعنی روایت کردن و حکایت کردن این گروه مورد اتفاق است

۱. توجه به این نکته لازم است که ابان را ناووسی گفته‌اند نه فطحی و ظاهراً ناووسی نیز تحریف قادیسیه باشد. به کلام محقق تستری در قاموس الرجال در شرح حال این راوی مراجعه شود.
 ۲. ر.ک: مستدرک الوسائل (طبع قدیم)، ج ۳، صص ۷۵۹ و ۷۵۸؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۱۷۵؛ مقیاس الرواة صص ۱۸۰-۱۷۷؛ مشرق الشمسین، ص ۲۶۹؛ الوافی، ج ۱۰، ص ۱۱؛ الرواشح السماویہ، صص ۴۵ - ۴۸؛ منتهی المقال، ج ۱، ص ۵۰؛ روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۹.

یا مقصود، نفس حدیث و مروی و معنای اسم مصدری آن مورد اتفاق می‌باشد. احتمال اول (قول نخست): اگر گفته شود معنای مصدری مراد است، چنین اجماعی به دلالت مطابقی بر تصدیق کردن این ۲۲ راوی و به دلالت التزامی بر وثاقتشان دلالت دارد.

احتمال دوم: بر مبنای معنای اسم مصدری چنین خبری به صحت متصف شده و لازم نیست واسطه‌های بین ابن ابی عمیر تا معصوم علیه السلام دیده شود. بر این مبنای هم وثاقت اصحاب اجماع ثابت و هم خبرشان، به صحت متصف می‌گردد. البته کسانی که به این مبنا قائلند خود بر دو دسته‌اند:

دسته‌ای از آنان دیدگاه دومی را پذیرفته و معتقدند اصحاب اجماع روایتی را که از معصوم علیه السلام صادر نشده باشد، نقل نمی‌کنند؛ خواه از راه قرائن خارجی به این اطمینان رسیده باشند یا قرائن داخلی، یعنی وثاقت اساتیدشان تا معصوم علیه السلام. بر این اساس اگر روایتی را مرسل یا از فرد مجهول یا فرد ضعیف روایت کنند، به صحت آن حکم می‌شود، اما دلالتی بر وثاقت اساتیدشان ندارد.

دسته دیگر دیدگاه سومی را اختیار کرده‌اند و می‌گویند صحت روایات این گروه، به سبب آن است که آنان از غیر ثقه نقل نمی‌کنند، پس واسطه‌های بین آنان تا معصوم علیه السلام ثقه هستند. در نتیجه تعدادی از راویانی که در زمره اساتید روایی اصحاب اجماع واقع شده‌اند و توثیق خاصی نسبت به آنان نرسیده، توثیق می‌گردند.

به نظر می‌رسد از میان سه قولی که درباره اصحاب اجماع اظهار شده است، قول دوم به واقع نزدیک‌تر است؛ یعنی اگر روایتی به دست ما رسید که سندش تا اصحاب اجماع صحیح بود و اطمینان داشتیم که اصحاب اجماع چنین روایتی را نقل کرده‌اند، قدمای چنین روایتی را صحیح و قابل عمل می‌دانسته‌اند. اگر مبنای فقیهی در حجیت خبر واحد، حصول اطمینان به صدور روایت باشد و از نقل اصحاب اجماع نیز برای او اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه السلام پیدا شود، می‌تواند به مفاد و مضمون آن روایت، فتوا بدهد و عمل کند (ترابی شهرضایی، ۱۳۸۷ش، صص ۱۹۸ - ۲۲۲).

۳. دیدگاه علامه محمدتقی مجلسی پیرامون اصحاب اجماع

مرحوم محمدتقی مجلسی، دیدگاه دوم را برگزیده و در این باره می‌نویسد:

ظاهر از عبارت: «تصحیح ما یصح عنهم» و آنچه از آن به ذهن متبادر می‌شود، آن است که قدمای امامیه در مورد روایان پس از اصحاب اجماع تا معصوم علیه السلام تحقیق نمی‌کردند؛ زیرا می‌دانستند که اصحاب اجماع، تنها روایاتی را که به صدور آنها از معصوم علیه السلام، علم داشتند نقل می‌کنند. اگر کسی در آثار آنها تتبع و تحقیق کند، می‌فهمد که مراد کشی و طائفه امامیه از عبارت «تصحیح ما یصح عنهم» همین معناست. اگر ادعا شود که از این عبارت، فقط وثاقت اصحاب اجماع فهمیده می‌شود نه بیشتر، در پاسخ می‌گوییم چه فرقی میان این هجده نفر و بقیه روایان ثقه است که سبب شده کشی این عبارت را فقط درباره این گروه استعمال کند؟ (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۱۹).

ایشان در جای دیگری از کتاب *روضه المتقین*، ابتدا می‌گوید که بنای ما طبق اصطلاح متأخرین است که سند روایت را ذکر کرده و هر آنچه از کتب اربعه و غیر آن می‌گوییم، سند و طریق آن را نیز ذکر می‌کنیم، لیکن در ادامه می‌نویسد که با این حال ممکن است طبق اصطلاح متأخرین [که بررسی تمام روایان سند و وثاقت ایشان را ملاک صحت روایت می‌دانند] قائل شویم به صحت هر خبری که صاحب کتاب آن، از افرادی است که درباره او گفته شده: «أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم». همچنین نگاه به ما قبل ایشان نمی‌شود؛ چرا که ظاهراً روشن است که کتب ایشان، مورد اعتماد اصحاب بوده و همانند خورشید در آسمان، کتب ایشان برای اصحاب روشن بوده است همان‌گونه که کتب اربعه برای ما مشهور شده است. بلکه شاید بتوان گفت کتب اصحاب اجماع، روشن‌تر از کتب اربعه است به خاطر کثرت نقل روایاتی که از این کتب شده است و اجماعی که بر این روایات است... از این روست که مرسلات ابن ابی عمیر، صفوان، بزنطی و حماد بن عیسی پذیرفته می‌شود؛ چرا که فائده اجماع بر قبول

روایات ایشان، ظاهراً همین است و گرنه اگر بگوییم با اجماع تنها وثاقت ایشان ثابت می‌شود، نیازی به گفتن عبارت «اجمعت العصابة» در مورد آنها نبود، بلکه صرف توثیق کردن ایشان کافی بود. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، صص ۱۳ - ۱۴).

البته ایشان به این نکته نیز اشاره دارد که در روایاتی که اصحاب اجماع در آن می‌باشند و مابعد آنها مجهول یا ضعیف باشد، عبارت «کالصحیح» را به کار می‌برد نه «الصحیح»؛ چرا که قصد ایشان عمل طبق مسلک متأخرین است (همان، ج ۱۴، ص ۱۹).

ایشان در بیش از هشتاد مرتبه، در کتاب *روضه المتقین* به بحث اصحاب اجماع، اشاره و در موارد بسیاری برای تصحیح سند روایت به عبارت کشی «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» یا عبارات دیگری شبیه به این مضمون اشاره کرده است.^۱

مرحوم مجلسی در ابتدای کتاب *لوامع* نیز، نام اصحاب اجماع را برشمرده و این کبرای کلی (که روایاتی که ایشان نقل می‌کنند، صحیح است) را بیان کرده است. ایشان می‌نویسد:

هر گاه این عبارات را جماعتی بگویند که روایت نمی‌کنند مگر از ثقه، یا ارسال نمی‌کنند مگر از ثقه مثل محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی، و حماد بن عیسی و بزنی که جمعی نقل اجماع نموده‌اند که مراسیل این جماعت مثل مسانید ایشان است بلکه جمعی از اصحاب که اجماع نموده‌اند اصحاب بر تصحیح ما یصح عنهم: مثل زرارة بن اعین شیبانی، و محمد بن مسلم ثقفی، و برید بن معاویه عجلی، و لیث المرادی ابو بصیر، و فضیل بن یسار البصری، و معروف بن خربوذ المکی، و ابو بصیر یحیی بن القاسم الاسدی، و عبد الله بن مسکان، و جمیل بن دراج، و حماد بن عثمان، و صفوان بن یحیی، و ابان بن عثمان، و عبد الله بن بکیر، و عثمان بن عیسی، و فضالة بن ایوب، و محمد بن

۱. برای نمونه، رک به: *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، صص ۳۸-۳۹ و ج ۳، ص ۴۰۱ و ج ۸، ص ۴۱۵ و ج ۱۰، صص ۴۰۱-۴۰۲ و ج ۱۴، صص ۲۴ و ۸۰ و ۱۵۵ و ۲۰۱ و ۲۱۷ و ۲۲۶ و ۲۵۴ و ۳۳۵.

ابی عمیر، و حماد بن عیسی، و احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی، و حسن بن محبوب، و حسن بن علی بن فضال.

ظاهر این بیان، آن است که هر حدیثی که صحیح باشد طریق آن به ایشان صحیح است و حال بعد از آن را نظر نمی‌کنند؛ چون این جماعت تا چیزی نزد ایشان یقینی نبوده است در کتاب خود داخل نمی‌کرده‌اند. پس اگر ما بعد ایشان ضعیف یا مرسل بوده باشد ضرر ندارد؛ چون این جماعت علم به آن خبر به تواتر یا غیر آن از اسباب علم داشتند و لیکن چون بعضی از متأخران در چنین حدیثی تأمل دارند امثال این مراسیل کالصحیح است از جهت موافقت ایشان (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۱۰۵ - ۱۰۴).

مرحوم مجلسی در ذیل روایتی در بحث سندی می‌نویسد:

سند صدوق به یعقوب صحیح است، و کتابش معتمد است، بنا بر این کالصحیح است به آن که در سند ابن ابی عمیر هست و اجمعت العصابة بر او هست یعنی اجماع شیعه است که هر گاه از یکی از بیست کس که اسامی ایشان در مقدمه گذشت صحیح شود که ایشان حدیث را گفته‌اند، آن حدیث صحیح است و بنا بر این، صدوق حکم کرده است به صحت خبرهای او و امثال او (همان، ج ۱، ص ۲۸۱).

نتیجه آن که علامه محمدتقی مجلسی رحمته الله روایاتی را که از طریق اصحاب اجماع به ما رسیده حجّت دانسته و اگر نیازی به بررسی میان اصحاب اجماع و امام علیه السلام نمی‌داند و اگر میان اصحاب اجماع و امام علیه السلام یک راوی مجهول یا ضعیف واقع شده باشد، آن روایت را «کالصحیح» می‌داند (چرا که طبق دیدگاه متأخرین عمل می‌کند). البته از برخی عبارات ایشان نیز استفاده می‌شود که علاوه بر صحت روایت، اساتید اصحاب اجماع را نیز، به سبب نقل اصحاب اجماع از ایشان (اگر تضعیف خاص نداشته باشند)، ثقه می‌داند (همان، ج ۱، صص ۱۰۵ - ۱۰۴).

۴. مشایخ ثقات

دومین توثیق از توثیقات عام در علم رجال به عنوان «مشایخ الثقات» مورد بحث

و بررسی قرار گرفته است. مقصود از این بحث، توثیق اساتید روایی بی‌واسطه یا با واسطه سه فقیه، از فقهای اصحاب اجماع سوم، یعنی محمد بن ابی‌عمیر (متوفی ۲۱۷ق)، صفوان بن یحیی (متوفی ۲۱۰ق) و احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی (متوفی ۲۲۱ق) است.^۱

اهمیت این بحث وقتی روشن می‌شود که بدانیم کسانی هستند که در بحث اصحاب اجماع، فقط به توثیق آنان بسنده کرده و از عبارت کشی، صحت روایات اصحاب اجماع یا وثاقت مشایخ آنان را استفاده نکرده‌اند، ولی در بحث مشایخ ثقات، به حجیت روایات آنان یا وثاقت اساتید روایی آنان معتقد شده‌اند؛ لذا باید در آغاز بحث، عبارت شیخ طوسی در *عدة الاصول* را ملاحظه کرد تا محل اختلاف مشخص شود و سپس دیدگاه‌های مختلفی را که در این مسئله مطرح است مورد بررسی گیرد.

۵. بیان محل نزاع در بحث مشایخ ثقات

شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول*، در بحث حجیت خبر واحد، در باب تعارض دو خبر، مطلبی نوشته که بر اساس آن، در صورت دلالت عبارت شیخ، صدها راوی از اساتید روایی این سه فقیه توثیق شده و بسیاری از روایات حجت می‌شوند. ایشان می‌نویسد:

اگر روایت دو راوی با هم تعارض داشت، باید دید که راویان آنها چگونه روایت را نقل کرده‌اند. اگر یکی از آنان، روایت را با سند متصل تا معصوم و دیگری روایت را مرسل و با حذف واسطه نقل کرده باشد، باید در حالات راوی مرسل، دقت کرد. اگر او از کسانی باشد که می‌دانیم از غیرثقه غیرمطمئن، روایت نقل نمی‌کند، پس این روایت مرسل او در حکم روایت مسند او می‌باشد. در این صورت، این دو روایت متعارض که یکی مسند و دیگری مرسل است، بر یکدیگر ترجیح ندارند. به همین جهت طایفه شیعه، روایات مرسل این سه فقیه را

۱. برای ملاحظه شرح حال این سه فقیه مراجعه شود به معجم رجال‌الحديث، ج ۱۵، ص ۲۹۰، رقم ۱۰۰۴۳ و ج ۱۰، ص ۱۳۴، رقم ۵۹۳۲ و ج ۳، ص ۳۲، رقم ۸۰۳.

که در بین امامیه، به عدم روایت از غیرثقه معروفند با مسانید دیگران مساوی دانسته‌اند. به همین دلیل در صورتی که روایت مرسل این سه نفر، مبتلا به معارض نباشد، به آن عمل می‌کنند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۸۶).

از بیان شیخ طوسی در *عدة الاصول*، دو مطلب استفاده می‌شود:

۱. صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی و محمد بن ابی‌عمیر، معروف شده بودند به این که از غیرثقه روایت نقل نمی‌کنند.
۲. طایفه شیعه به مرسلات این سه راوی، مانند مسندات دیگران عمل می‌کردند و در صورت تعارض، مرسلات ایشان را با مسندات دیگران برابر می‌دانستند. در ادامه این دو مطلب به صورت مستقل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۶. توثیق اساتید روایی مشایخ ثقات

مطلب نخست آن که آیا کسانی که این سه راوی بزرگ از ایشان روایت نقل کرده‌اند، به واسطه کلام شیخ طوسی توثیق می‌شوند یا خیر؟ اگر وثاقت اساتید بدون واسطه این سه فقیه اثبات شود، وثاقت نزدیک به ۲۵۰ راوی که استاد روایی ابن ابی‌عمیر می‌باشند^۱ و ۱۰۴ راوی که استاد روایی صفوان بن یحیی و ۵۲ راوی که استاد روایی بزنطی هستند و توثیق خاصی ندارند، ثابت می‌شود.

همه کسانی که به تسویه بین مرسلات و مسندات این گروه معتقدند، به توثیق مشایخ بدون واسطه آنان نیز اعتقاد دارند. به نام تعدادی از آنان اشاره می‌شود: سید علی بن طاوس (متوفی ۶۶۴ق) در *فلاح السائل*، محقق حلی (متوفی ۶۷۲ق) در *معتبر*، علامه حلی (متوفی ۷۲۶ق) در *نهایه*، شهید اول (متوفی ۷۸۶ق) در *ذکری*، ابن فهد حلی (متوفی ۸۴۱ق) در *مهذب البارع*، محقق ثانی علی بن عبد‌العالی کرکی (متوفی ۹۴۰ق) در *جامع المقاصد*، شهید ثانی (متوفی ۹۶۶ق) در *کتاب الدرایه* و شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰ق) در *شرح الفقیه* و وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۵ق) در *تعلیقه بر منهج المقال*.

۱. نکته: برای ابن ابی‌عمیر بیش از ۴۱۸ استاد روایی که با سند صحیح از آنان روایت دارد، ثابت شده است که نزدیک به ۱۷۵ نفر از آنان توثیق خاص دارند و بقیه با توثیق عام، وثاقتشان ثابت می‌شود.

بیان استدلال بر وثاقت اساتید روایی این سه راوی آن است که ظاهر عبارت شیخ طوسی (یعنی «الذین عرفوا بأنهم لا یروون و لا یرسلون إلا عن من یوثق به»)، دلالت دارد که فقیهان مذکور به عدم نقل روایت به صورت مسند یا مرسل، از روایانی که به آنان اطمینان ندارند، معروف شده بودند. دلالت این عبارت بر وثاقت مشایخ بدون واسطه آنان، کامل می‌باشد. البته ظهوری در وثاقت مشایخ با واسطه آنان ندارد؛ هر چند ممکن است روایاتشان را از باب اجماعی که کشی ادعا کرده، بر مسلک قدما صحیح دانست، اما حکم به صحت روایات بر مبنای قدما اعم از ثقه بودن راوی است.

۷. بیان محل اختلاف در مرسلات مشایخ ثقات

آیا روایاتی که این سه راوی بزرگ به نحو مرسل نقل کرده‌اند، حجت است؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد، آیا مطلقاً حجت است یا فقط در صورتی که مرسل آن، یکی از سه فقیه یاد شده باشد؟

برای پاسخ به دو پرسش فوق، لازم است به عبارت شیخ طوسی رضی الله عنه در *عده الاصول* توجه کرد. از عبارت ایشان استفاده می‌شود، علت این که طایفه امامیه، مرسلات این سه فقیه را در مقام تعارض، با مسندات دیگران برابر دانسته‌اند و هنگامی که تعارضی نبوده، به مرسلاتشان عمل کرده‌اند، این است که آنان از غیر ثقه روایت نقل نمی‌کرده‌اند. بنابراین با شهادت شیخ طوسی، مرسلات این سه فقیه حجت می‌گردد، اما بحث در این است که آیا می‌توان به شهادت شیخ طوسی اعتماد کرد یا مانعی برای این اعتماد وجود دارد؟

جمع زیادی از علما مانند محقق حلی در معتبر (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۷)، علامه حلی در *نهایة الاصول* (علامه حلی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۱۸)، شهید اول در *ذکری* (عاملی، ۱۴۱۹ق، ص ۴)، ابن فهد حلی، محقق ثانی، شیخ بهایی و غیر ایشان (ر.ک: خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۲۲) به این تسویه معتقدند.

در مقابل این گروه، جمع دیگری از علما، روایات مرسل این سه بزرگوار را ضعیف دانسته‌اند؛ مانند «شیخ طوسی» که در کتاب *تهذیب الاحکام* (شیخ طوسی،

۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳؛ و ج ۷، ص ۳۱؛ و ج ۸، ص ۲۵۷، ح ۱۶۵؛ و ج ۹، ص ۳۱۳) بعضی از روایات ابن ابی عمیر را به سبب ارسال رد می‌کند که به برخی از آنها در بحث‌های گذشته اشاره شد. محقق حلی در جایی دیگر از کتاب معتبر، به روایت ابن ابی عمیر به سبب مرسل بودن آن اشکال می‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۵). سید جمال‌الدین احمد بن طاوس (متوفی ۶۷۳ق) و شهید ثانی (متوفی ۹۶۵ق) در جایی دیگر از درایه و شرح آن (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۱)، سید محمد صاحب مدارک (عاملی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۶۰)، شیخ حسن صاحب معالم (متوفی ۱۰۱۱ق)، شیخ عبدالصمد پدر شیخ بهایی (عاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۰۷) نیز بر این قاعده اشکال کرده‌اند. به نظر می‌رسد مرسلات این گروه مانند مسنداتشان حجت است؛ به شرط این‌که مرسل روایت، یکی از این سه فقیه باشد، اما اگر آنان از راوی معلومی نقل کنند و او به صورت مرسل از معصوم علیه السلام نقل کند، شهادت شیخ طوسی شامل چنین روایتی نمی‌شود و در نتیجه آن را حجت نمی‌دانیم (تراوی شهرضایی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۲۳ - ۲۲۷).

۸. دیدگاه مجلسی اول علیه السلام در مورد مشایخ الثقات

علامه محمدتقی مجلسی علیه السلام نیز همانند بسیاری از بزرگان، نقل مشایخ ثلاث از کسی را دلالت بر وثاقت او دانسته و در مواردی به کلام شیخ طوسی علیه السلام نیز اشاره دارد. به عنوان نمونه، ایشان در ذیل حدیثی که در سند آن، محمد بن ابی عمیر قرار دارد، ابتدا می‌گوید:

این روایت موثق کالصحیح است، بلکه «صحیح» است؛ چرا که ابن ابی عمیر تنها از افراد ثقه به صورت مرسل نقل روایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۵۶).

ایشان در جای دیگری، در تعارض خبر مرسل با مسند می‌نویسد:

آنچه در این باب می‌توان گفت آن است که این روایت مرسل بوده و خبر مرسل نمی‌تواند با خبر مسند تعارض کند، لیکن باید توجه داشت که مرسلات ابن ابی عمیر با سایر روایات مرسل متفاوت بوده و مرسلات او همانند مسندات او حجت است؛ چرا که او تنها از افراد ثقه

به صورت مرسل نقل روایت می کرده است (همان، ج ۲، ص ۵۵۶).

ایشان در ابتدای جلد ۱۴ در کتاب روضه می نگارد:

از این روست که مرسلات ابن ابی عمیر، صفوان، بزنی و حماد بن عیسی پذیرفته می شود؛ چرا که فائده اجماع بر قبول روایات ایشان، ظاهراً همین است و گرنه اگر بگوییم با اجماع تنها وثاقت ایشان ثابت می شود، نیازی به گفتن عبارت: «اجمعت العصابه» در مورد آنها نبود، بلکه صرف توثیق کردن ایشان کافی بود (همان، ج ۱۴، ص ۱۳ - ۱۴).

ایشان در کتاب *لوامع* می نویسد:

جزء دوم را شیخ روایت کرده است به سندی کالصحیح بلکه صحیح چون مرسل ابن ابی عمیر است و مراسیل او مانند مسانید است چون او ارسال نمی کند مگر از ثقات (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۵).

وی در جای دیگری از کتاب *لوامع*، در ذیل حدیثی که ابن ابی عمیر در طریق آن قرار دارد می گوید:

راوی او، علی ای حال مرسل ابن ابی عمیر است و حکم مسانید را دارد و صدوق طرح نمی کند بلکه می گوید که چون معارض است به احادیث مسنده، احادیث مسنده بر آن مقدم است لهذا تأویل می کند (همان، ج ۱، ص ۳۸۲).

بنابراین مرحوم محمدتقی مجلسی، هم اساتید روایی مشایخ ثلاث را ثقه می داند و هم مرسلات این سه راوی را همانند مسندات ایشان می داند، لیکن نکته ای که باید بدان توجه داشت آن است که ایشان در مواردی، اصحاب اجماع را نیز ملحق به مشایخ ثلاث (یعنی ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و بزنی) کرده و مرسلات ایشان را کالصحیح و اساتید آنها را نیز ثقه می داند.

به عنوان نمونه، ایشان پس از توثیق سهل بن زیاد، دلیل ضعف سهل بن زیاد را (که اخراج سهل بن زیاد توسط احمد بن محمد بن عیسی از قم است) رد کرده و می گوید:

دلیل اخراج سهل بن زیاد از قم توسط احمد بن محمد بن عیسی، آن

است که او از افراد ضعیف نقل روایت کرده و بر مرسلات اعتماد می‌کند و این معنا میان تمام فضلاء مشترک است (یعنی آنها نیز روایات مرسل را نقل می‌کنند)، اما با این حال ضرری به وثاقت ایشان نمی‌زند؛ چرا که ممکن است سهل بن زیاد بر مرسلاتی اعتماد کرده باشد که از ویژگی‌های این جماعت (که روایت مرسل را از ایشان نقل کرده)، آن است که ایشان تنها از ثقات به صورت مرسل نقل می‌کنند مثل بزنی و صفوان و ابن ابی عمیر. بلکه تمام اصحاب اجماع (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۵۱۴).

ایشان در این عبارت، ابتدا عبارت «لا یرسلون الا عن الثقات» را برای مشایخ ثلاث به کار برده، لیکن در ادامه با «بل» ترقی، آن را برای تمام اصحاب اجماع صادق می‌داند.

وی در ابتدای کتاب *لواع* نیز، عبارت «لا یرسلون الا عن ثقة» را تنها برای مشایخ ثلاث و حماد بن عیسی به کار می‌برد، منتهی در ادامه با کلمه «بلکه» آن را برای تمام اصحاب اجماع جاری می‌داند (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۵ - ۱۰۴).

نتیجه

به نظر می‌رسد از میان سه قولی که درباره اصحاب اجماع اظهار شده است، قول دوم به واقع نزدیک‌تر است؛ یعنی اگر روایتی به دست ما رسید که سندش تا اصحاب اجماع صحیح بود و اطمینان داشتیم که اصحاب اجماع چنین روایتی را نقل کرده‌اند، قدام چنین روایتی را صحیح و قابل عمل می‌دانسته‌اند. اگر مبنای فقهی در حجیت خبر واحد، حصول اطمینان به صدور روایت باشد و از نقل اصحاب اجماع نیز برای او اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه السلام پیدا شود، می‌تواند به مفاد و مضمون آن روایت، فتوا بدهد و عمل کند.

همچنین علامه محمدتقی مجلسی رحمته الله روایاتی که از طریق اصحاب اجماع به ما رسیده را حجت دانسته و اگر نیازی به بررسی میان اصحاب اجماع و امام علیه السلام نمی‌داند و اگر میان اصحاب اجماع و امام علیه السلام یک راوی مجهول یا ضعیف واقع شده باشد، آن روایت را «کالصحیح» می‌داند (چرا که طبق دیدگاه متأخرین عمل

می‌کند). البته از برخی عبارات ایشان نیز استفاده می‌شود که علاوه بر صحت روایت، اساتید اصحاب اجماع را نیز، به سبب نقل اصحاب اجماع از ایشان (اگر تضعیف خاص نداشته باشند)، ثقه می‌داند.

در بحث مشایخ الثقات نیز به نظر می‌رسد مرسلات این گروه مانند مسنداتشان حجت است؛ به شرط این که مرسل روایت، یکی از این سه فقیه باشد. اما اگر آنان از راوی معلومی نقل کنند و او به صورت مرسل از معصوم علیه السلام نقل کند، شهادت شیخ طوسی شامل چنین روایتی نمی‌شود و در نتیجه آن را حجت نمی‌دانیم.

علامه مجلسی رحمته الله نیز وثاقت اساتید روایی مشایخ الثقات (یعنی محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی) را قبول داشته و روایاتی که از طریق صفوان، ابن ابی عمیر و بزنطی به صورت مرسل وارد شده است حجت می‌داند. همچنین هر آنچه برای این سه راوی ثابت می‌داند، برای اصحاب اجماع نیز می‌پذیرد؛ یعنی هم وثاقت اساتید اصحاب اجماع را پذیرفته و هم روایات مرسل آنها را مانند مسندات ایشان می‌داند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- أعرجی کاظمی، محسن بن حسن (۱۴۱۵ق)، *عادة الرجال*، قم: اسماعیلیان.
- تراپی شهررضایی، اکبر (۱۳۸۷ش)، *پژوهشی در علم رجال*، قم: انتشارات اسوه.
- حلّی، حسن بن علی (۳۴۲ق)، *رجال ابن داوود*، تهران: دانشگاه تهران.
- حلّی، حسن بن یوسف (علامه حلّی) (۱۴۲۵ق)، *نهاية الوصول الى علم الأصول*، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
- _____ (۱۴۱۱ق)، *خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال (رجال علامه)*، قم: دار الذخائر.
- حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی) (۱۴۰۷ق)، *المعتبر في شرح المختصر*، قم: مؤسسه سيدالشهداء علیه السلام.
- خوئی، سید ابوالقاسم موسوی (بی تا)، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، قم: مرکز نشر آثار الشيعة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغيبة (كتاب الغيبة للحجة)*، محقق / مصحح: عباد الله سرشار تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دار المعارف الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۵ق)، *الرجال*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ (۱۴۱۷ق)، *العدة في الاصول*، قم: چاپخانه ستاره.
- _____ (۱۴۲۰ق)، *الفهرست*، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: کتابخانه محقق طباطبایی.
- _____ (۱۴۰۷ق)، *تهذيب الأحكام*، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۱۹ق)، *ذکری الشيعة في أحكام الشريعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عاملی، حسین بن عبد الصمد (۱۴۰۱ق)، *وصول الاخیار الى اصول الاخبار*، تحقیق: عبداللطیف الكوهکمری، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۴ق)، *شرح البداية في علم الدراية*، قم: انتشارات فیروزآبادی.
- _____ (بی تا)، *الدراية*، قم: منشورات مکتبه المفید.

- كشي، ابو عمرو محمد (١٤٠٩ق)، اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، محقق و مصحح: حسن مصطفوي، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد
- مجلسي، محمدتقي (١٤٠٦ق)، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانبور، دوم.
- _____ (١٤١٤ق)، لواعع صاحبقراني، قم: مؤسسه اسماعيليان، دوم.
- مجلسي، محمدباقر (١٤١٠ق)، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسة الطبع و النشر.